

تجربه موفق آموزش پزشکی، بهداشت، درمان و تأمین اجتماعی در «ربع رشیدی»، بزرگترین مجتمع علمی و آموزشی تاریخ تبریز

دکتر حسین جباری بیرامی*

فریبا بخشیان**

چکیده

زمینه و هدف: در زمانی که اروپای قرون وسطی، دوران تاریک پزشکی را سپری می‌کرد، مسلمانان پیشرفتهای شگرفی در زمینه علوم پزشکی به جهانیان عرضه داشتند. شیخ فضل‌الله همدانی دانشمند فاضل، طبیب و سیاستمدار بزرگ در دوران استیلای مغول بر ایران و آذربایجان توانست با ایجاد مجتمع ربع رشیدی بسان یک شهرک دانشگاهی عظیم، اقداماتی را پایه‌گذاری کند که حتی امروز هم جامعه ما و بسیاری از جوامع بشری نیازمند بهره‌گیری از تجارب مدیریتی آن هستند.

روش بررسی: این مطالعه به روش اسنادی بر اساس مستندات کاملاً معتبر تهیه شده است. یافته‌ها: تجارب موفق بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و تأمین اجتماعی در موارد زیر برای مدیریت نظام سلامت در مقطع زمانی فعلی قابل استفاده است:

نحوه گزینش دانشجو، شرایط استاد و نسبت استاد به دانشجو، طول مدت تحصیل و... چگونگی اداره بیمارستان و نکاتی چون همکاری پزشک و داروساز، جداسازی بیماران عفونی و غیر عفونی، آشپزخانه رژیمی، مراقبت در منزل، به کارگیری پزشکان به صورتهای تمام‌وقت و نیمه‌وقت، گسترش شبکه‌های آب آشامیدنی، رعایت بهداشت آب، تعیین حق آب و... بیمه کلیه افراد و اموال و پیش‌بینی‌های لازم برای موارد بحرانی، پیش‌بینی صندوق خاص برای افراد فقیر و درمانده و فوت‌شده در بیمارستان و...

* عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز و همکار مرکز کشوری مدیریت سلامت (N.P.M.C)

** کارشناس ارشد حوزه ریاست دانشگاه علوم پزشکی تبریز

مقدمه

با سقوط امپراتوری روم، مدارس پزشکی که در این زمان به دست رومیان برپا شده بود، از بین رفت و اروپا دستخوش تاخت و تاز بیماریهای همه‌گیر مانند طاعون، آبله، سل و جذام شد. معالجات پزشکی به زمان بدوی که تحت سلطه خرافات و تعصبات بود، بازگشت. تکذیب جسم و تجلیل روح به عنوان رفتار مناسب، اقبال عامه یافت، دیدن جسم فرد غیراخلاقی به شمار آمد چندان که مردم کمتر حمام می‌کردند و به آرایش تن می‌پرداختند. در نتیجه در علوم پزشکی نیز پیشرفتی حاصل نمی‌شد. این دوران (۱۵۰۰ - ۵۰۰ میلادی) را در زمره سده‌های میانی و دوران تیره و تار پزشکی نامیده‌اند. در این زمان مسلمانان گامی به پیش نهاد و خردمندانی نظیر رازی و ابن سینا را به عرصه آوردند تا جایی که علم پزشکی اسلامی را به اوج خود رساندند و دوران طلایی پزشکی اسلامی را در سالهای ۱۳۰۰ - ۸۰۰ میلادی رقم زدند (۱). در سده آخر این دوران، دانشمند فاضل، مورخ، طبیب و سیاستمدار رشیدالدین فضل‌الله همدانی (متولد ۱۲۵۷ میلادی) وزیر غازان‌خان، نه تنها بسیاری از ابنیه تاریخی تبریز (۲) بلکه مدرسه رشیدی یزد، ارزنجان ترکیه، شبانکاره فارس، مدرسه مراغه و بیمارستانهای همدان، شیراز، بصره و سایر بلاد را ایجاد و احیا کرد (۳). وی تبریز را به بزرگترین مرکز علمی جهان تبدیل کرد. در این مقاله با اشاره به جایگاه رفیع ربع‌رشیدی به شیوه کارآمد مدیریت و نوآوری‌های علمی و آموزشی وی در حوزه علوم پزشکی می‌پردازیم و موارد زیر را مورد بحث قرار می‌دهیم:

- توصیف پیشرفتهای شهرک علمی، آموزشی، وقفی منحصر به فرد ربع‌رشیدی

- تشریح فعالیتهای مربوط به احیای ربع‌رشیدی در طول تاریخ با بیان تفکر و اندیشه‌های

رشیدالدین فضل‌الله همدانی

- ارائه رهنمودهایی درباره احیای فعالیتهای ربع‌رشیدی در عرصه توسعه سلامت.

شهرک دانشگاهی ربع‌رشیدی در قرن ۱۳ میلادی

خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۷۱۸ - ۶۴۸ ه. ق.) رجل سیاسی و طبیب گرانقدر آخر قرن هفتم در زمره بزرگترین مورخان ایرانی است که عالم به جمیع علوم عصر خویش بوده است. او طبابت را نزد خانواده خویش در همدان فراگرفت. نخستین بار به عنوان طبیب به دربار آقاخان

پیوست و در عهد ارغون «مرتبه و پایه‌اش ترقی پذیرفت». در سال ۶۹۱ به وزارت و صاحب‌دیوانی غازان رسید. بعد از فوت غازان و روی کار آمدن برادرش سلطان محمد خدابنده (الجایتو) نیز در مقام وزارت باقی بود تا اینکه به دنبال مرگ سلطان محمد خدابنده و به دسیسهٔ خواجه‌علیشاه به سبب حسادت به رشیدالدین به دستور سلطان ابوسعید دوازده‌ساله (پسر سلطان محمد خدابنده) در تاریخ ۷۱۸ ه. ق. به همراه پسرش ابراهیم به قتل رسید و اتباع و اشیای وی و ریح رشیدی در تبریز به تاراج رفت و املاک خود او و فرزندان او به دیوان انتقال یافت (۴). خواجه آثار علمی بسیاری به یادگار گذاشت و بنیادهای بسیاری را در طول عمر پربار خود ایجاد کرد که به لحاظ ارتباط با موضوع در این مقاله به شرح ریح رشیدی می‌پردازیم.

خواجه رشیدالدین بنیاد خیریهٔ بزرگی را در جانب شرقی شهر تبریز نزدیک ولسان‌کوه، در جوار کوی شش‌گیلان بنا نهاد. این بنیاد خیریه از سه بخش عمدهٔ ریح رشیدی، ریض رشیدی و شهرستان رشیدی تشکیل شده بود (۵) که گفته‌اند عمارتی بهتر از آن در عالم نشان نداده‌اند. بر کنیهٔ آن عمارت نوشته بود: «همانا ویران کردن این عمارت از ساختن عمارتی دیگر دشوارتر باشد.» (امیدیانی به نقل از تذکره‌الشعراى سمرقندی).

هدف از تأسیس ریح رشیدی بر پایهٔ مستندات و قفنامه همانا اعمال صالحه، «خیرات جاریه یا وقف بوده که خواجه آن را از بهترین اعمال شمرده و عمل خویش را از نظر کیفیت و کمیت، برتر از هر نمونه‌ای تا آن زمان در سرزمین‌های اسلامی دانسته است. به علاوه یکی از اهداف اساسی رشیدالدین همان اشتیاق علمی و شوق زایدالوصف او به درک «معانی و حقایق اشیا» و «حدیث علما و مشایخ و اصحاب قلوب و ارباب عرفان» بوده است. علاقه‌مندی و اشتیاق او به حدی بوده که می‌گویند با تمام اشتغالات سیاسی بر تمام کارهای «ریح رشیدی از همان اولین روزهای آغاز به ساختمان تا آخر عمر، مستقیماً نظارت داشته، طرح و نقشه می‌داده و با مهندسان و کارشناسان گوناگون به مباحثه و تبادل نظر می‌پرداخته و پس از اتمام ساختمانهای آن، تولیت آن را نیز تا آخر عمر خود بر عهده داشته است (۴). ریح رشیدی از چند بخش تشکیل می‌شد:

۱- روضه ۲- خانقاه ۳- دارالضیافه در دو بخش ۴- دارالشفاء

در دارالشفاء (بیمارستان و دانشکدهٔ پزشکی) یک پزشک و یک پزشکیار، یک جراح و یک چشم‌پزشک (کهحال) و یک داروساز (شرایدار) و دو پرستار (خادم) تمام‌وقت به کارگمارده شده

بودند. ایشان کارکنان، مجاوران و مسافران ربح‌رشدی را به رایگان درمان می‌کردند و پزشکان دارالشفاء وظیفه داشتند هر یک ۵ دانشجوی (متعلم) پزشکی را به مدت ۵ سال آموزش دهند و پس از تکمیل دوره تحصیل برای هر یک از آنان دانشنامه (اجازت) صادر کنند. پزشکان و دیگر شاغلان و دانشجویان این بخش از مقرری کافی، مسکن، غذا و درمان رایگان برخوردار بودند (۵).

درباره مدیریت منحصر به فرد این بخش از شهرک دانشگاهی مواردی را به لحاظ ارتباط موضوعی با علوم روز به اختصار ذکر می‌کنیم:

- ۱ - شرایط طبیب: حاذق و ملازم، به جای آورنده کمال اشفاق، قادر به تدریس طب و همواره تعلیم دو متعلم، اسکان در جنب دارالشفاء (دفتر کار) به صورت مجرد (بدون خانواده).
- ۲ - شرایط متعلم: زیرک و باهوش در تحصیل علم، مجرد، متدین و امین، اسکان در حجره‌های پایین پشت داروخانه، ملازمت فقط ۵ سال، دریافت اجازت در پایان ۵ سال.
- ۳ - طبابت در مورد تمام کسان ساکن در ربح‌رشدی، مجاور یا مسافر یا عماله‌ها و بازکردن در دارالشفاء در روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه بر روی همگان با اولویت‌بندی در ورود.
- ۴ - همکاری طبیب و داروساز در تحویل دارو به بیمار، نسخه‌نویسی بر روی کاغذ، درمان و مراقبت در منزل توسط پزشک، داروساز و حتی مطبخی، درمان رایگان.
- ۵ - تعیین سالانه صد دینار جهت تجهیز و تکفین وفات‌یافتگان بیماری که از آنها چیزی باقی نمانده باشد و هزینه باقی‌مانده از صد دینار مشروح در بالا برای تجهیز و تکفین درویشان ساکن در ربح‌رشدی و سایر درویشان.
- ۶ - تعیین دقیق مواجب کارکنان دارالشفاء: تفکیک مواجب طبیب به جهت طبابت (۱۵۰ دینار) و به جهت درس طب (۱۵۰ دینار).
- ۷ - توجه به بی‌نیازسازی کارکنان و کارمندان از نظر رفاهی بویژه مدرسان علوم که حقوق آنان بعد از ۳ مقام ارشد ربح‌رشدی (متولی، مشرف و ناظر) در بالاترین حد باشد (۶).
- ۸ - انتخاب دقیق مسکن کارکنان، در رده‌های مختلف چه به صورت مجرد در محل کار و چه همراه خانواده در قسمتهای مختلف مجتمع و شهرستان رشدی.
- ۹ - پذیرایی از کارکنان ربح‌رشدی صبح‌ها در وقت معین و قبل از شروع به کار.
- ۱۰ - تعیین شرح مسئولیت و وظایف دقیق کارکنان، تقسیم کار از بواب (دربان) و آشپز تا

- مدرسان، طلبه‌ها و ۳ مقام ارشد.
- ۱۱ - تأمین آب بهداشتی و بعضاً لوله‌کشی و حمام و سایر نیازها.
- ۱۲ - تعیین شرایط گزینش و استخدام طبیب علاوه بر شرایط عمومی (متعهد، مؤمن، با تقوا و مجتنب از مسکرات، حاذق و امین و فاضل، عالم اصول دین و فروع و نیکوسیرت و مشهور به صلاح).
- ۱۳ - نحوه تنظیم بودجه: تفکیک هزینه‌های نقدی و غیرنقدی، تقسیم بودجه، شیوه پرداخت دستمزدها.
- ۱۴ - بیمه افراد و اموال بازنشستگی: ذخیره یک‌ششم از درآمد کارکنان مزارع و سایر کارکنان در صندوق خاص برای حوادث پیش‌بینی نشده، فوت و... که در مواقع لزوم زیر نظر متولی در مصالح ایشان صرف شود و به هیچ روی از اکساب ایشان به هیچ وجه دیگر چیزی صرف نکنند تا به هیچ وجه به دیگری محتاج نگردند.
- ۱۵ - بازخرید کارکنان نالایق.
- ۱۶ - ذخیره‌سازی یک سال مایحتاج از کلیه مواد و نقود در انبارها و خزانه، مطلع‌سازی کلیه کارکنان ربع رشیدی و اولاد واقف از وقوع کمبود.
- ۱۷ - توجه به اقتصاد دانشگاهی و کاربرد مفاهیم و کلمات خارجی امروزی نظیر: تمام‌وقت، مبادلات و تفاهم‌نامه‌های دانشگاهی، مقاله‌های علمی، کتابخانه، دوره‌های کوتاه‌مدت، کنفرانس و سمینار و... (۷).
- ۱۸ - جلب مغزهای متفکر: جذب ۵۰ پزشک از مصر، شام و هندوچین و... برای ربع رشیدی.
- ۱۹ - جمع‌آوری گیاهان دارویی، روغن‌ها و... از محل‌های مختلف به شرح دقیق محل تهیه و مدارک و مقدار آنها.
- ۲۰ - برقراری مستمری و تحف برای دانشمندان در سراسر امپراتوری بزرگ ایران.
- ۲۱ - جداسازی بیماران معمولی و بیماران مبتلا به بیماری‌های واگیر.
- ۲۲ - تعیین دقیق کمیّت دانشجو برای هر استاد و توجه به کیفیت: برنامه‌ریزی دقیق زمان کار و استراحت، ورود و خروج و...
- ۲۳ - تعیین زمان حضور در کلاس درس دانشجویان طب و ویزیت بعد از ظهر بیمار همراه

استاد خود.

۲۴ - بین‌المللی بودن مجتمع وقفی ربع‌رشیدی (۴).

۲۵ - مطالعه و قفنامه هر ماه یکبار.

۲۶ - ادای شکر بر تمام موفقیت‌ها و طلب مغفرت در تمام احوال و نوشته‌ها.

۲۷ - گردآوری و اسکان ملیت‌های مختلف در نقاط مختلف تبریز به منظور رونق علمی و

اقتصادی بویژه ایجاد رقابت برای پیشرفت.

۲۸ - سنجش استعداد دانشجو و سپس تعیین رشته تحصیلی.

۲۹ - وجود پزشکان نیمه‌وقت و رفت و آمد آنان به دارالشفاء و تعلیم ۱۰ نفر دانشجو توسط

هرکدام از آنها (اشاره به ۵۰ طبیب خارجی).

۳۰ - کتابخانه وسیع و شرایط کتابدار و استفاده از کتاب (۴).

۳۱ - توضیح دقیق وظایف و اجرت ۱۱ رده کارمندی مشغول در دارالشفاء.

۳۲ - تعداد کثیر طلاب و دانشجویان: ۷۰۰۰ نفر که ۱۰۰۰ نفر ساکن در ربع‌رشیدی و ۶۰۰۰

نفر ساکن در دارالسلطنه تبریز با ۴۰۰ نفر مدرس و استاد که ۵۰ نفر آنان از ملیت‌های گوناگون

بودند.

۳۳ - تفکر احداث مجتمع مشابهی بعد از جنگ جهانی دوم (هفت قرن بعد) توسط

شوروی‌ها در شهر آمادمگورود (۸).

تفکر احیای ربع‌رشیدی از ۷۱۸ ه. ق. تا به امروز

بعد از قتل رشیدالدین فضل‌الله (۷۱۸ ه. ق.) ربع‌رشیدی به غارت رفت و تمام تأسیسات آن به

آتش کشیده شد و کلیه ابزار و وسایل آن به دست توده عوام، که تحت تأثیر تبلیغات مخالفان

رشید قرار داشتند، افتاد و به تاراج رفت. لیکن در طول تاریخ اقداماتی برای احیای آن مجتمع

بزرگ شده است که به شرح زیر است:

۱- با روی کار آمدن خواجه غیاث‌الدین محمد فرزند رشید (۷۲۹ ه. ق.) وزیر ابوسعید بهادر

مجدداً ربع‌رشیدی رونقی یافت و خرابیها سامان گرفت و حتی تأسیسات و بناهایی به آن افزوده

شد ولی بعد از قتل او مجدداً نابود شد.

۲- در سال ۷۵۱ ه. ق. یکی از بازماندگان خاندان مغول به نام ملک‌اشرف که خود را

انوشیروان عادل می‌نامید، در ربع رشیدی ساکن می‌شود و دستور می‌دهد که بر گرد آن خندقی احداث کنند و مردم را تشویق می‌کند که در محلات ویران شده مساکنی احداث کنند. بعد از او سلطان اویس جلایر در آنجا ساکن می‌شود که البته در این دوران ربع رشیدی فقط به صورت یک دژ مستحکم و محل اقامت این خانان بود. بعد از مرگ جلایر تأسیسات ربع رشیدی بیش از پیش رو به ویرانی نهاد.

۳ - بعدها شاه‌عباس صفوی تصمیم به بازسازی ربع رشیدی گرفت و قسمتهایی از آن را ترمیم کرد و حتی تأسیسات دیگری بر آن افزود لیکن به سرانجامی نرسید. با مرگ شاه‌عباس، بنای آن نیمه‌تمام رها شد.

۴ - مشهورترین مصایبی که بر سر ربع رشیدی آمد، تخریب آن به وسیله میران‌شاه پسر تیمور گورکانی (۸۰۲ - ۷۹۸) است که دستور ویران کردن زیباترین ابنیه (از جمله ربع رشیدی) را می‌دهد که تا بدین‌سان نام او بر تارک تاریخ بماند! چندان که دستور می‌دهد استخوانهای پوسیده رشیدالدین را از ربع رشیدی خارج و در گورستان یهودیان دفن کنند. (۴).

مسئله احیای ربع رشیدی که در پانصد و یکمین جلسه شورای انقلاب فرهنگی (۸۱/۷/۲۷) به تصویب رسیده است، از سوی استانداری آذربایجان شرقی برنامه‌ریزی برای بهره‌برداری و فعال کردن این مرکز آغاز شده و اقدامات درخوری نیز در این ارتباط صورت گرفته است. و این مرکز در حال تبدیل شدن به عنوان محلی جهت هم‌اندیشی‌های گسترده‌تر در خصوص مسائل مرتبط با سلامت در سطح کشور و منطقه است.

منابع

- ۱ - پارک، ک. درسنامه طب پیشگیری و پزشکی اجتماعی، ترجمه خسرو رفائی شیرپاک، حسن افتخار اردبیلی، چاپ اول، جلد دوم، تهران، انتشارات ایلینا، ۱۳۸۲، ص ۱۴.
- ۲ - الگود، دکتر سیریل. تاریخ پزشکی ایران، ترجمه محسن جاویدان، چاپ اول، جلد اول (از دوره باستان تا سال ۱۹۳۴)، تهران، انتشارات اقبال، ص ۲۴۶.
- ۳ - بروشکی، محمد مهدی. بررسی روش اداری و آموزشی ربع رشیدی، چاپ اول، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵، ص ۶۱.
- ۴ - امیدایانی، سید حسین، ربع رشیدی، «مجمع بزرگ وقفی، علمی و آموزشی در تبریز

- ۵- فصل اول... همدانی، رشیدالدین. جامع التواریخ، جلد اول، به کوشش بهمن کریمی، انتشارات اقبال، تهران، ص ۹۰.
- ۶- فصل اول... همدانی، رشیدالدین، وقفنامه ربع رشیدی، نسخه خطی، به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار، انتشارات انجمن آثار ملی ایران، تهران، ۱۳۵۱، چاپ سوم، قسمت دوم، فصل نهم، ص ۷۶-۷۱.
- ۷- حاجیلو، غلامعلی. ربع رشیدی، چاپ اول، انتشارات ترمه، تهیه شده در دانشگاه علوم پزشکی تبریز، ۱۳۷۹، ص ۲۲.
- ۸- مداین، دکتر سید کاظم. کتاب مجموعه مقالات کنگره بین المللی تاریخ پزشکی در ایران و اسلام، چاپ اول، جلد دوم، تهران، انتشارات مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران، ۱۳۷۵، ص ۱۰۶۳.